

مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو

عنوان نشست: فرصت‌های پیش روی صنعت بیمه در دوران پساتحریم

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو
مسئول نشست:	آقای دکتر رضا افقی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۴/۹/۷
اعضای هیأت علمی:	خانم دکتر آتوسا گودرزی، آقای مرتضی اعلا باف صباغی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	آقای محمد ابراهیم امین (رئیس کل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران)؛ آقای شهریار شیبانی (مشاور و بازرس ویژه رئیس کل بیمه مرکزی)؛ مصطفی زندی (مدیر کل روابط عمومی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران)
مسئله محوری نشست:	تبیین فرصت‌ها و تهدیدها و بررسی نقاط قوت و ضعف صنعت بیمه کشور در دوران پس از تحریم و ارائه راهکارها و سیاست‌های مناسب در دوران مذکور
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شرکت‌های بیمه کشور، شورای عالی بیمه

با عنایت به اعمال تحریم‌های وسیع اقتصادی علیه کشورمان طی سالیان اخیر، مسئولان و دست‌اندرکاران صنعت بیمه، تلاش‌های زیادی برای حفظ روند رشد این صنعت در شرایط خاص تحریم به‌عمل آوردند. علی‌رغم این امر، به نظر می‌رسد صنعت بیمه در طی این دوران، از آثار منفی تحریم‌ها، به‌خصوص از طریق اعمال تحریم‌های بخش بیمه اتکایی مصون نیست و تحت تأثیر قرار گرفته است. البته به نظر می‌رسد از این رهگذر اقتصاد کشور نیز به علت فقدان جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به علت عدم همکاری شرکت‌های بیمه خارجی در پوشش ریسک‌ها، آسیب‌دیده است.

لذا برداشته شدن تحریم‌های اعمال‌شده بر صنعت بیمه کشور، فرصتی تاریخی برای طرفین ماجرا (ایران و کشورهای توسعه‌یافته) فراهم آورده تا از این موقعیت بهره‌برداری کنند؛ بااین‌حال باید به این امر نیز توجه کرد در صورتی که درخصوص میزان مناسب مشارکت شرکت‌های بیمه خارجی در صنعت بیمه کشور تصمیمات درستی اتخاذ نشود، مزیت مطلق و نسبی کشورهای توسعه‌یافته در ارائه خدمات بیمه‌ای و عدم توسعه مناسب صنعت بیمه کشور، ممکن است مخاطراتی را برای این صنعت به همراه داشته باشد.

چکیده مباحث صاحب‌نظران در نشست

در ابتدا می‌بایست تأکید شود که طی سالیان اخیر، صنعت بیمه کشور مورد تحریم قرار نگرفت، بلکه شرکت‌های بیمه خارجی از ارائه پوشش و خدمات به کشورمان منع شدند؛ بنابراین تأثیر تحریم بر صنعت بیمه کشور، به‌صورت غیر مستقیم بوده است. با این حال می‌توان تأثیر منع شرکت‌های بیمه خارجی جهت ارائه خدمات به کشورمان - که آن را آثار تحریم می‌نامیم - را به دو بخش تقسیم کرد. تأثیرات مثبت و تأثیرات منفی. در ابتدا به تأثیر مثبت پرداخته خواهد شد:

۱-۲) تأثیرات مثبت تحریم‌ها بر صنعت بیمه کشور

برای تبیین آثار مثبت، لازم است در ابتدا نگاهی بر عملکرد شرکت‌های بیمه فعال در کشور در بازه زمانی پیش از تحریم بیفکنیم:

۱-۱-۲) تهیه پوشش از شرکت‌های بیمه خارجی: صاحبان ریسک‌ها و بیمه‌گذاران علاقه‌مند بودند به‌صورت مستقیم از شرکت‌های بیمه اتکایی خارجی خدمات دریافت کنند. البته علت این امر، عدم آمادگی شرکت‌های بیمه داخلی برای پوشش ریسک‌ها نبود، بلکه همان‌گونه

که ذکر شد، به علت تمایل به دریافت پوشش از خارج، بیمه‌گذاران توافقات اولیه را با شرکت‌های بیمه خارجی به انجام می‌رسانیدند و سپس بیمه‌گر ایرانی را واسطه انجام معامله قرار می‌دادند؛ به عبارتی در عمل بیمه‌گر ایرانی نقش دلالی را ایفا می‌کرد.

۲-۱-۲) **خروج ارز از کشور:** این امر سبب می‌شد که طی سالیان قبل، صنعت بیمه به‌طور متوسط حدود ۱۱۰ تا ۱۳۰ میلیون دلار حق بیمه اتکایی به شرکت‌های بیمه‌گر اتکایی خارجی پرداخت کند. شایان ذکر است با احتساب میانگین خسارت دریافتی ۳۰ الی ۴۰ میلیون دلاری، به‌طور متوسط سالیانه ۷۰ الی ۸۰ میلیون دلار ارز بابت پرداخت حق بیمه اتکایی، از کشور خارج می‌شد.

۳-۱-۲) **اختلاف نظرها درخصوص پوشش ریسک‌ها در داخل یا خارج از کشور:** در همان دوران نیز برخی این انتقاد را داشتند که چرا ریسک‌ها را شرکت‌های بیمه‌گر اتکایی خارجی پوشش می‌دهند و چرا شرایطی فراهم نمی‌شود که این امر را شرکت‌های بیمه ایرانی صورت دهد. این اختلاف نظرها درخصوص انتقال کامل ریسک‌های بزرگ به خارج از کشور، تا زمان اعمال تحریم‌ها وجود داشت.

۴-۱-۲) **اتکا به ظرفیت‌های داخلی با شروع تحریم‌ها:** با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه، صنایع پتروشیمی، نفت و گاز، هواپیمایی، نیروگاه‌ها، خطوط حمل‌ونقل، کشتیرانی و .. بدون بیمه‌نامه ماندند. این شرایط منجر به صدور مصوبه دولت شد که با توجه به عدم کفایت مالی و ناتوانی مالی شرکت‌های بیمه ایرانی، یک میلیارد دلار اعتبار در اختیار بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت تا منابع کافی جهت پوشش این حوزه‌ها تأمین شوند و زیر پوشش قرار گرفتند؛ به عبارتی پیام تحریم‌ها این بود که همه ریسک‌ها باید در درون کشور مدیریت شود. نتیجه این امر آن بود که متخصصان صنعت بیمه ایران به دانش ارزیابی این نوع ریسک دست یافتند.

۵-۱-۲) **ایجاد لایه‌های پوششی:** در این خصوص، سه لایه جهت پوشش ریسک‌های بزرگ شامل ایجاد کنسرسیوم‌ها، ظرفیت مشترک بازار و صندوق اتکایی شکل گرفت. در لایه اول، کنسرسیومی از شرکت‌های بیمه ایرانی (با محوریت شرکت بیمه ایران) که توانایی پوشش ریسک‌ها را داشتند، تشکیل شد و هر یک از شرکت‌های این کنسرسیوم سهمی را پذیرفتند. ریسک‌های مازاد پذیرش کنسرسیوم، با ظرفیت مشترک بازار و همچنین صندوق اتکایی

تحریم تحت پوشش قرار گرفت؛ بنابراین در این دوران شرکت‌های بیمه ایرانی که قبلاً در زمینه بیمه‌های اتکایی، صرفاً نقش واسطه‌گری و دلالتی شرکت‌های بیمه خارجی را انجام می‌دادند، به ایفای مشارکتی فعالانه تغییر یافت؛ به‌صورتی که همه مراحل، اعم از شناسایی ریسک، برآورد قیمت، ارائه خدمات و... در داخل ایران انجام می‌شد.

۲-۱-۶) **کلپ‌های P&I**: از طرف دیگر، کلپ‌های P&I به‌مثابه راهکار دیگر پوشش ریسک‌های بزرگ در دوره تحریم مدّ نظر قرار گرفت؛ به‌طوری که با کمک صاحبان کشتی، به رهبری کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و شرکت ملی نفت کش، دو باشگاه و کلپ P&I کیش و قشم تأسیس شدند و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز کمک کرد تا این دو باشگاه به صدور بیمه‌نامه بپردازند؛ با این حال، از آنجایی که این دو شرکت سرمایه کافی نداشتند، بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در قالب کنسرسیوم، ظرفیت مشترک بازار و همچنین صندوق اتکایی تحریم، ریسک‌ها را توزیع کرد.

جمع‌بندی: دانش صدور بیمه‌نامه و ارزیابی ریسک که تا پیش از اعمال تحریم‌ها در اختیار شرکت‌های بیمه خارجی بود، فرصتی را برای صنعت بیمه فراهم آورد تا کارشناسان و بیمه‌گران بر دانش ارزیابی ریسک و صدور بیمه‌نامه برای ریسک‌های بزرگ تسلط پیدا کنند؛ بنابراین شرکت‌های بیمه ایرانی وارد حوزه‌هایی شدند که قبلاً فرصت ورود به آن را نداشتند.

البته می‌بایست این موضوع را نیز مدّ نظر قرار داد که به لحاظ منطق بیمه‌گری، تجمع ریسک‌ها در داخل کشور، امری خطرناک محسوب می‌شود؛ زیرا اگر خسارت فاجعه‌باری رخ می‌داد، شاید همه سرمایه شرکت‌های بیمه نیز کفاف پرداخت خسارت را نمی‌داد. عدم بروز چنین خسارت‌هایی، سبب سودآوری شرکت‌های بیمه شد.

۲-۲) تأثیرات منفی تحریم‌ها بر صنعت بیمه کشور

باید توجه داشت اگرچه تحریم دستاوردهای فراوانی برای صنعت بیمه داشت، اما در عین حال، ما را از فرصت‌هایی نیز که به آن‌ها اشاره خواهد شد، محروم کرد.

۲-۱-۲) **فقدان رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه ایرانی در شرکت‌های رتبه‌بندی معتبر بین‌المللی:** این امر را می‌توان از بزرگ‌ترین آثار سوء تحریم‌ها برشمرد. شایان ذکر است تا زمانی که چهار شرکت بیمه دولتی در کشور مشغول به فعالیت بودند، مردم نگرانی درباره توانگری

آن‌ها نداشتند و به‌نوعی دولت ضامن تعهدات آن‌ها بود. با اینحال، با ورود ۲۴ شرکت بیمه غیردولتی و واگذاری سه شرکت دولتی به بخش خصوصی، ایفای تعهدات به دولت منحصر نمی‌شود و بخش خصوصی نیز باید به اندازه توانگری و سرمایه‌اش ریسک بپذیرد.

این امر ایجاب می‌کند که توانگری مالی شرکت‌های خصوصی را نهادهای معتبر بررسی و درخصوص آن‌ها اطلاع‌رسانی کنند؛ از طرفدیگر رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه می‌بایست به‌توسط مؤسسات معتبر و بی‌طرف بین‌المللی صورت پذیرد و با رتبه‌بندی در داخل نتایج مطلوب حاصل نمی‌شود.

در کشورهای دیگر شرکت‌های مالی، از جمله شرکت‌های بیمه را مؤسسات معتبر رتبه‌بندی می‌کنند و بیمه‌گذاران می‌توانند با بررسی این رتبه‌بندی‌ها، بیمه‌گر خود را انتخاب کنند. باین حال با فقدان رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه ایرانی در مؤسسات معتبر، افراد مجبورند خودشان اطلاعات را جمع‌آوری کنند و از آنجایی که اطلاعات شفافی نیز ندارند، از شرکتی که خدمات ارزان‌تری عرضه می‌کند، خریداری می‌کنند و به این نکته توجهی نمی‌کنند که ارزان‌فروشی در برخی موارد، به علت توانگر نبودن شرکت بیمه و تلاش برای کسب منابع مالی است.

۲-۲-۲) محرومیت‌های آموزشی: محرومیت بیمه‌گران و افراد، از دریافت آموزش و مدارک حرفه‌ای، از دیگر موانع تحریم‌ها بوده است؛ بنابراین بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌برداری مطلوب از آیین‌نامه ۹۰ مصوب شورای عالی بیمه، به‌منظور احراز صلاحیت کارکنان کلیدی صنعت بیمه، با این مشکل مواجه خواهد شد که مجبور است صرفاً به مدارک دانشگاهی و تجارب بیمه‌ای افراد اکتفا کند. این در حالی است که در کشورهای دیگر، مدارک حرفه‌ای، از جمله ملاک‌های ملاک اصلی شناسایی توانایی‌های حرفه‌ای افراد است.

۲-۲-۳) محرومیت از دانش روز و نظام منسجم بیمه‌ای: محرومیت از ورود دانش و فناوری روز دنیا و همچنین نرم‌افزار یکپارچه مطلوب، از دیگر تأثیرات منفی تحریم‌ها بوده است. درخصوص نظام‌های منسجم بیمه‌ای موجود، می‌بایست این نکته را متذکر شد که در حال حاضر، شرکت‌های بیمه یا تنها با یک شرکت قرارداد می‌بندند یا اگر خودشان اقدام به پیاده‌سازی آن می‌کنند، موفقیت چندانی کسب نمی‌کنند؛ بنابراین در این سال‌ها از نظام‌هایی محروم بوده‌ایم که آزمون خود را پس داده‌اند و قابلیت استقرار و پشتیبانی در کشور را دارند.

۲-۳) مشکلاتی که ارتباطی با بحث تحریم ندارند

۲-۳-۱) **عدم تفکیک تصدی‌گری و حاکمیت:** بیمه مرکزی مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست در مقام یک نهاد حاکمیتی از تصدی‌گری دوری کند و به نظارت حاکمیتی بپردازد؛ برای مثال می‌بایست استانداردها و چارچوب‌های ذخیره‌گیری به روشنی تبیین شود و سپس بیمه مرکزی این امر را در شرکت‌های بیمه به‌دقت کنترل کند؛ به عبارت دیگر وظیفه بیمه مرکزی، دخالت در نحوه بنگاه‌داری شرکت‌های بیمه نظیر چگونگی جذب کارکنان و نمایندگان بیمه از سوی شرکت‌ها، برگزاری دوره‌های آموزشی و آزمون و... نیست، بلکه ملاک‌ها و استانداردها را شورای عالی بیمه تصویب و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صرفاً پس از ابلاغ آن‌ها به شرکت‌های بیمه، بر اجرای آن‌ها نظارت می‌کند؛ به‌عنوان مثالی دیگر، فعالیت بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بخش بیمه اتکایی، اجباری است که به نوعی تصدی‌گری محسوب می‌شود. اگرچه در طی چندین سال گذشته تلاش‌هایی جهت تعیین حد و مرز تصدی‌گری و حاکمیت در صنعت بیمه کشور صورت پذیرفته است، بااین حال هنوز با وضعیت مطلوب فاصله دارد.

۲-۳-۲) **سوء مدیریت و نرخ شکنی:** بقای شرکت‌های بیمه، مبتنی بر مشتری‌مداری و ایجاد نظام پرداخت خسارت سریع و محترمانه است. اما متأسفانه بعضاً شرکت‌های بیمه به جای رقابت در سرویس‌دهی در خدمات، بر روی کاهش بی‌منطق قیمت و دامپینگ رقابت می‌کنند و این امر توانگری مالی شرکت‌های بیمه را به شدت آسیب‌پذیر می‌کند. علت این معضل، آن است که در برخی موارد، سهامدارانی وارد صنعت بیمه می‌شوند که چارچوب و استانداردهای بنگاه‌داری و بیمه‌گری را رعایت نمی‌کنند و در حالی که باید سودی متناسب با شرایط صنعت کسب کنند، بر تقسیم سود واهی اصرار می‌ورزند و علی‌رغم توصیه‌های مکرر تصمیم‌بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌سازی و ذخایر خود را به‌مثابه شاخصی برای تعهدات، کمتر منعکس می‌کنند. در صورتی که اگر توانگری شرکت بیمه پایین است، باید صدور بیمه را محدود کند و سرمایه را افزایش دهد. وقتی مدیران بیمه این اقدامات را انجام نمی‌دهند، توانگری شرکت با مشکل مواجه می‌شود و از اداره شرکت باز می‌مانند.

۲-۳-۳) فائق آمدن دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی قانون‌گذاران بر دغدغه‌های اقتصادی در خصوص شرکت‌های بیمه بازرگانی: هدف شرکت‌های بیمه بازرگانی کسب سود است. با این حال بعضاً مشاهده می‌شود که از طریق تصویب قوانین و مقررات، تعهدات سنگینی به شرکت‌های بیمه بازرگانی تحمیل می‌شود؛ برای مثال، در لایحه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه که اخیراً به تصویب نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی رسیده است، انواع تعهدات برای شرکت‌های بیمه بازرگانی ایجاد شده است و این در حالی است که اختیار تعیین حق بیمه‌های متناسب که با استفاده از روش‌های استاندارد آکچوئرال، قابل محاسبه‌اند، از ایشان سلب شده است؛ به عبارتی قانون جدید انواع ریسک را پوشش داده و پوشش همه‌جانبه و کاملی برای زیان‌دیدگان - چه آن‌که بیمه‌نامه دارد و چه آنان که ندارند - فراهم آورده است. این در حالی است که می‌بایست به شرکت‌های بیمه به‌مانند شرکت‌های بازرگانی نیز توجه می‌شد. این امر سبب خواهد شد که هزینه‌های گزافی بر شرکت‌های بیمه تحمیل شود.

۲-۴) ارتباطات بین‌المللی

۲-۴-۱) فقدان ارتباطات بین‌المللی: بند ۱۰ پیشنهادهای کارگروه بررسی و تدوین احکام مرتبط با صنعت بیمه کشور، در برنامه ششم توسعه، تسهیل مشارکت اشخاص خارجی در صنعت بیمه را از جمله جهت‌گیری‌های کلی صنعت بیمه برای درج در لایحه برنامه ششم توسعه ذکر کرده است. این در حالی است که در زمینه فعالیت شرکت‌های بیمه خارجی، صرفاً آیین‌نامه شماره ۴۱ در ۶ ماده و در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ به تصویب شورای عالی بیمه رسیده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد صنعت بیمه کشور فاقد چارچوبی مشخص و منسجم در زمینه فعالیت‌های بین‌المللی باشد.

توصیه‌های سیاستی

۱. صنعت بیمه کشور می‌تواند نقش مؤثر و فوری در همه پهنه جغرافیایی کشور برای ایجاد اشتغال ایفا کند؛ برای مثال، یک شرکت بیمه که با ۱۰۰ میلیارد تومان سرمایه تأسیس می‌شود، سبب ایجاد اشتغال برای حداقل ۳۰۰ نفر کارکنان و تأسیس حدوداً

هزار نمایندگی می‌شود؛ بنابراین تأسیس شرکت‌های بیمه بیشتر، با هدف ایجاد اشتغال، نیازمند برآوردن الزامات و پیش‌نیازهای ذیل است:

۱. کاهش بوروکراسی ارزیابی سهامداران و متقاضیان تشکیل شرکت بیمه که سبب افزایش تقاضا برای تأسیس شرکت بیمه و در نتیجه افزایش اشتغال خواهد شد.
۲. بازنگری در آیین‌نامه حداقل سرمایه مؤسسات بیمه غیردولتی که در سال ۱۳۹۱ بنا بر پیشنهاد بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید وزارت امور اقتصادی و دارایی، به تصویب هیئت محترم وزیران رسیده است، موجبات تسهیل در تأسیس شرکت بیمه، افزایش رقابت و اشتغال را فراهم خواهد آورد.
۳. حذف عوارض متعددی که بر صنعت بیمه وضع شده است.
۲. تجربیات دوران تحریم، موجبات تسلط کارشناسان و بیمه‌گران داخلی بر دانش ارزیابی ریسک و صدور بیمه‌نامه برای ریسک‌های بزرگ را فراهم آورده است؛ بنابراین می‌بایست جهت‌گیری سیاست‌ها و قوانین شورای عالی بیمه و سایر مراجع ذی‌ربط به گونه‌ای باشد که استفاده از ظرفیت‌های داخلی در زمینه بیمه‌های اتکایی را تشویق و استفاده از بیمه‌های اتکایی خارجی را محدود کند تا از این طریق، دستاوردهای مثبت ناشی از تحریم‌ها در صنعت بیمه کشور، حفظ شود. البته بدیهی است که شرکت‌های بیمه داخلی می‌توانند نسبت به توزیع ریسک مناسب با شرایط بازار بین‌المللی اقدام کنند، اما این امر نباید به گونه‌ای باشد که دستاوردها بلا اثر شود.
۳. با عنایت به این امر که یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات منفی تحریم‌ها، محرومیت صنعت از رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه‌ایرانی در مؤسسات معتبر بین‌المللی بوده است، که سبب کاهش شفافیت بازار و اتکای بیمه‌گذاران صرفاً به اطلاعات شخصی خود شده، لازم است از همین اکنون تعاملاتی با مؤسسات مذکور صورت گیرد تا در اولین فرصت، پس از لغو تحریم‌ها، رتبه‌بندی شرکت‌های بیمه ایران محقق شود.
۴. در کوتاه‌مدت می‌بایست از ابزارهای تشویقی به‌منظور تربیت نیروی انسانی متخصص شرکت‌های بیمه استفاده شود که یکی از آنها، اعزام آنان برای طی دوره‌های آموزشی حرفه‌ای کوتاه‌مدت و بلندمدت در مؤسسات حرفه‌ای بیمه‌ای و آکچوئری کشورهای پیشرفته است؛ علاوه بر آن، در چشم‌اندازی چندساله و بلندمدت، شرکت‌های بیمه

طی آیین‌نامه‌هایی ملزم شوند که درصد معینی از کل کارمندانشان دارای مدارک حرفه‌ای از مؤسسات حرفه‌ای بیمه‌ای معتبر شوند.

۵. تفکیک تصدی‌گری از حاکمیت در بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران سبب خواهد شد که این نهاد صرفاً در مقام نهادی حاکمیتی، به وظایف نظارتی خود پردازد؛ به عبارتی می‌بایست شرح وظایف بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای اصلاح شود که صرفاً امر نظارت بر عملکرد شرکت‌های بیمه را بر عهده بگیرد و با هدف کاهش تصدی‌گری دولت در صنعت بیمه، از ورود به بازار بیمه، از طرقی نظیر مشارکت در ارائه بیمه اتکایی اجباری، اجتناب ورزد. در این زمینه لازم است اختیارات قانونی به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران جهت برخورد جدی‌تر با شرکت‌های متخلف بیمه‌ای اعطا شود.

۶. در حال حاضر صنعت بیمه کشور، بیشتر نیازمند ورود دانش و فناوری است و نیاز چندانی به ورود سرمایه خارجی نیست و تاکنون نیز تقاضایی برای تأسیس شرکت، شعبه یا صدور بیمه‌نامه از سوی شرکت‌های بیمه خارجی دریافت نشده است. با این حال، ممکن است در آینده این وضعیت تغییر یابد و شرکت‌های بیمه خارجی، متقاضی ورود به کشور باشند؛ برای مثال، در حال حاضر، بسترهای قانونی لازم برای تأسیس شرکت بیمه با صد درصد سهام خارجی وجود ندارد؛ بنابراین از هم‌اکنون، می‌بایست با بررسی مزایا و مخاطرات مشارکت شرکت‌های بیمه خارجی در صنعت بیمه کشور، با تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط، آمادگی لازم در این زمینه را کسب کرد.

۷. بررسی آمار و ارقام نشان می‌دهد از نظر حق بیمه تولیدی در میان ۱۰ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)، کشورمان و ترکیه تقریباً در سطحی یکسان هستند و سهم سایر کشورهای عضو بسیار ناچیز است؛ بنابراین می‌توان در قالب سازمان مذکور، زمینه ورود شرکت‌های بیمه داخلی را به بازار بکر این کشورها فراهم آورد. البته نگرش کشورهای همسایه به کشورمان به صورت یک کشور صرفاً صادرکننده نفت بوده است و از این حیث، فاقد نگرش تعامل برد - برد است. با این حال با فراهم آوردن زمینه فعالیت شرکت‌های بیمه داخلی در آن کشورها، این نگرش نیز از میان برداشته خواهد شد. این امر مستلزم قوانین، مصوبات و آیین‌نامه‌های اجرایی نحوه

حضور شرکت‌های بیمه داخلی در کشورهای خارجی است. البته ورود به کشورهای خارجی، مستلزم درک و شناسایی درست و عمیق از ریسک‌های موجود در آن کشورهاست که در این زمینه نیز لازم است مطالعه لازم صورت پذیرد.

۸. در حال حاضر، شرکت‌های بیمه داخلی آمادگی عرضه انواع خدمات بیمه‌ای را دارند. با این حال به نظر می‌رسد که صنعت بیمه با مشکل تقاضا دست به گریبان است. این امر دلایل متعددی دارد که ذیلاً به برخی از مهم‌ترین علل آن اشاره می‌شود:

۱. گستردگی سیستم‌های بیمه‌های تأمین اجتماعی در ایران و محصولات گسترده و متنوع آن‌ها، نظیر پوشش‌های درمانی، پوشش‌های از کارافتادگی و غیره، موجب کاهش تقاضا برای خدمات شرکت‌های بیمه بازرگانی را فراهم آورده است.

۲. مطالعات و تحقیقات انجام شده در سطح داخلی و بین‌المللی بیان‌کننده آن است که مشکلات اقتصادی، درآمد پایین و نرخ تورم بالا، به‌خصوص در بیمه‌های عمر، سبب کاهش تقاضا می‌شود.

۳. گسترش نیافتن فرهنگ استفاده از بیمه

اگرچه در برطرف کردن برخی از عوامل فوق، نظیر افزایش متوسط درآمد جامعه، کاهش تورم به اندازه‌ای که استفاده از بیمه‌های عمر مطلوب باشد، کاهش پوشش بیمه‌های تأمین اجتماعی، نیازمند زمان است، با این حال، با روش‌هایی اقتصادی و فرهنگی نظیر: اصلاح قوانین و مقررات، با هدف ایجاد انگیزه‌های اقتصادی (نظیر قبول حق بیمه به‌مثابه هزینه قابل قبول مالیاتی برای آحاد افراد جامعه و نه صرفاً برای مؤسسات)؛ گنجاندن مفاهیم بیمه‌ای در کتب درسی به منظور پرورش نسلی آشنا با بیمه؛ اختصاص زمان بیشتر و مکفی برای معرفی مفاهیم بیمه‌ای در صدا و سیما به‌توسط بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های بیمه‌ای زمینه‌های افزایش تقاضای بیمه را فراهم خواهد آورد.